

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید ملک

۳۱ اکتوبر ۲۰۲۰



سید ملک

آیا آزادی بیان است یا آزادی فلان...؟

چونکه به ضد جهان گویم سخن یا جهان دیوانه باشد یا که من
بلکه از دیوانگان هم بدترم چون که مردم دگر و من دگر

به ارتباط توهین به پیامبر اسلام و کشیدن کاریکاتور های ایشان:

روزی شاگردان "ابن سینا" از وی تقاضا کردند تا ادعای پیامبری نماید. ابن سینا سکوت کرد و شبی در خواب از هر شاگردش تقاضای آب به خاطر رفع تشنگی می کرد و شاگردان خود را به خواب می انداختند. تا سپیده دم صدای آذان بلند شد و ابن سینا خود را به خواب عمیق انداخت و شاگردانش می کوشیدند وی را بیدار نمایند تا همه تگانش دادند که استاد اواز آذان است و نماز قضا می شود. ابن سینا برخاست و نماز ادا کرده بعداً شاگردانش را جمع و گفت به تشنگی من برنخاستید و یک قطره آب ندادید و به آذان محمدی مرا تکان داده بیدار کردید بناءً من موقعیت پیامبری را دارا بوده نمی توانم.

دور و باز هم دور از زبان من. یکی از دوستان چپ ایرانی ام در خانه گفت محمدک عرب... من بر اشفتم و گفتم من تحمل این توهین را ندارم پیامبر انسانی یا آدمی بوده اند

- فرق بین انسان و آدم را سالها قبل نوشته بودم که کلمه اشرف المخلوقات در قرآن به آدم گفته شده نه انسان و در مورد انسان صرفاً به نام احسن الخالقین یعنی همان پدیده متکامل تذکر رفته است.

به هر صورت ایشان که میلیونها پیرو دارند. باید با احترام یاد کرد. گفت: تودین را قبول نداری. گفتم: برداشت های دینی را قبول ندارم و ثانیاً من تالحال سندی از مارکس و پیشقراوان جنبش چپ نخوانده ام که با این شدت به دین توهین کرده باشند. بلکه مارکس می گفت دین افیون توده ها است من شدید تر از وی می گویم نه تنها افیون بلکه برداشت های منفی

دینی سم وزهر است و غرب خود را ازین سم رهای بخشیده و ضربه این سم شوق را چنین گیج کرده که نمی داند گیج شده است. اما با آنهم بزرگ مردانی مانند پیامبر راباید بااحترام یاد کرد چنانچه مارکس هم از انقلاب محمدی وانگلز انقلاب اسلامی محمدی یاد می کند.

انکساگورس می گوید که دین یک کنترول روانی است و من نوشته بودم که اسلام قوی ترین کنترول روانی رادرین ادیان دارد و نوشته بودم نماز عبارت از تشکیلات حزب در اسلام است که خلاف سلسله مراتب حزب . در نماز بدون سلسله مراتب روز پنج بار ارتباط باخالق و مخلوق برقرار شده و دموکرات هم مانند اعضای امنیت دولتی برشانه ها نشسته و جزئی ترین چیز را راپور می دهند و آنهم انتخاب بهشت و دوزخ در نزد خودت است آنهم دوزخی که درقرآن خوانده ام که دوزخیان لباس از آهن گذاخته دارند.

تا اینجا مشکلی نیست و چهره های پاک هر مؤمن به هر عقیده خوشم می آید

مشکل من بابر داشت هائی است که من درسه ماه تحقیق درقرآن نخوانده ام مثلاً خدا در عرش یعنی تخت نشسته و پیامبر بزرگوار گنجهگاران امت را شفاعت می کنند. من صراحتاً می گویم که پیامبر بزرگوار اسلام خاک شده و دگر بر نمی خیزند. یا همه چیز از طرف خداست. درحالی که درقرآن خوانده ام که شراز خدا صادر نمی شود و محصول اعمال شما است. یا این که ادیان و اسلام حلال همه مشکلات بوده و همه چیز درقرآن گفته شده رامن قبول ندارم چه قوانین جاریه تفسیر شده طبیعت مانند فزیک. کیمیا و... در کتب دینی گفته نشده وحتی علامه سید مصطفی طباطبائی صراحتاً می گوید که ما علوم را درقرآن یافته نمی توانیم وقرآن مجموعه مکارم اخلاقیست. /مراجعه شود به سایت وی./

و من برایش نوشتم اگر مجموعه مکارم اخلاقی است داستان عشق زلیخا به یوسف کدام کرامت اخلاقی دارد وتاحال جواب نگرفته ام.

به دیدگاه من مهمتر اینست که طبق تعریف درج شده آزادی عقیده و بیان گفته شده نه توهین به عقیده و بیان آن. یعنی این مرد فرانسوی می توانست و می تواند درمورد عقیده اش که شاید همان عیسویت باشد بیان و تبلیغ نماید.

مهمتر این که در اعلامیه حقوق بشر هر نوع ملکیت به شمول ملکیت فکری از تعرض مصون است.

چنانچه ماده سی و شش قانون اساسی شوروی وقت صراحتاً می گفت. تبلیغات مذهبی و ضد مذهبی اما نه توهین مجاز است و لنین در کتاب رابطه حزب بامذهب می گفت حتی کشیش می تواند عضو حزب باشد در صورتی که ضد برنامه ارتقائی جامعه نباشد.